

بولتن کارگری

گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شماره 12، 10 ژانویه 2014



زیاده خواهی کارفرمایان، حمایت دولت، منشاء افزایش قربانیان حوادث کار

صادق کار



بنا بر گزارش ایلنا روز دوشنبه، ۱۶ دی ماه، علی زادحزباوی کارگر ۲۱ ساله پروژه قطار شهری اهواز که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «کیسون» استخدام شده بود، در هنگام کار در تونلی کم عرض در عمق زمین بر اثر گیر کردن لباس کارش به واگن حمل بار، چندین متر به روی زمین کشیده شد و پس از برخورد سرش با دیواره تونل جان باخت. بطوری که در گزارشها آمده است، این کارگر ۲۱ ساله با وجود این که بیمار بوده، مجبور شده سر کار حاضر شود و پس از ۱۰ ساعت کار، ۲ ساعت قبل از پایان شیفت کاریش، در کنار ریل به دلیل خواب زدگی در اثر برخورد با قطار کشته شده است.

بنا بر گزارش ایلنا هلاکوبی که به عنوان کارفرمای شرکت پیمانکاری کیسون فعالیت می‌کند، دلیل وقوع این حادثه را خواب بودن کارگر در هنگام عبور قطار ذکر کرد و گفت: "طبق شواهد، این کارگر در روز حادثه دچار سرماخوردگی شدیدی بوده که به علت استفاده از دارو و خواب آلودگی متوجه عبور قطار نمی‌شود".

این گزارش نشان می‌دهد که سلب حقوق کارگران و بی‌اعتنایی به شان و منزلت انسانی و جان کارگر، در جمهوری اسلامی به چنان حدی رسیده که حتی زمانی که کارگر بیمار می‌شود، ولو این که وظیفه‌اش سوزن بانی در یک تونل تنگ باشد، مجبور است سرکار حاضر شود و به جای ۸ ساعت ۱۲ ساعت کار کند و خطرات ناشی از آن را حتی اگر مرگ باشد، بپذیرد.

تلفات انسانی ناشی از حوادث کار روز به روز بویژه در شرکت‌های پیمانکاری فزونی می‌گیرند و کمتر روزی را می‌توان سراغ گرفت که یک یا چند خبر و گزارش راجع به حوادث حاد در محیط‌های کار منتشر نشوند و خبر از کشته و مجروح شدن تعدادی کارگر به هنگام کار ندهند. با وجود این که همه حوادثی که در محلهای کار بوقوع می‌پیوندند گزارش نمی‌شوند، اما همین مقدار که به صفحات پاره‌ای روزنامه‌ها و خیرگزاریها راه پیدا می‌کنند، گوشه دیگری از ستمهایی را که بواسطه زیاده خواهی کارفرمایان، حذف و نادیده گرفتن قوانین کار، بی‌تفاوتی و سهل‌گیری دستگاه‌های نظارتی مسئول علیه بدیهی‌ترین حقوق کارگران روا داشته می‌شود، برملا می‌کند.

بنا بر آمارهای رسمی که تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کنند، در طی یک دهه گذشته، هماهنگ با سقوط نرخ رشد اقتصادی، شمار حوادث کار و تعداد قربانیان این حوادث بدون وقفه همه ساله افزایش یافته و طی ۱۰ سال دوبرابر گردیده است. طی دهه گذشته هزاران نفر در اثر حوادث کار جانشان را از دست داده‌اند و چند برابر آن مجروح و معلول شده‌اند. طبق همین آمارها شمار کسانی که در اثر حوادث کار کشته می‌شوند هم اکنون بالغ بر ۵ نفر در روز گردیده است.

تقریباً تمام گزارش‌هایی که راجع به دلایل وقوع حوادث کار منتشر می‌شوند، گویای آنند که عامل بی احتیاطی کارگر کمترین نقش را در این حوادث داشته و حتی در مواردی هم که بی احتیاطی کارگر نقش داشته، خستگی مفرط، بیماری، فشار فزاینده و محیط نامناسب کار، شرایط دشوار اقتصادی- اجتماعی و مشغولیت ذهنی کارگر از دلایل آن بوده‌اند. این گزارشها و نتایج تحقیقات بخوبی آشکار می‌کنند، که قصور و عدم رعایت مقررات ایمنی توسط کارفرمایان و انگیزه سودبری بیشتر نقش اصلی را در خلق حوادث کار و افزایش تعداد حوادث و تلفات آنها داشته است. بغیر از کارفرمایان، مسئولان وزارت کار و دیگر نهادهای نظارتی، بخاطر عدم نظارت و نادیده گرفتن تخلفات کارفرمایان، و دولت بخاطر حذف و تعدیل قوانین حمایتی و ایمنی کار و بی توجهی به امر آموزش مقررات ایمنی و حمایت از کارفرمایان، در واقع بیشترین تقصیر را در این ارتباط به عهده دارند.

بررسی علل سه حادثه کاری، ۱۴ دیماه در پتروشیمی خرم آباد، ۱۶ دیماه در معدن سنگ آهن چاه گز در به آباد، و ۱۶ دیماه در خوزستان، طی یک هفته گذشته که باعث کشته و مجروح شدن حداقل ۱۱ نفر کارگر گردیدند، نیز مؤید آنند که مقصر اصلی در این سه حادثه و مسئولان اصلی کشته و مجروح شدن ۱۱ کارگر، در واقع کارفرمایان و مسئولان دولتی‌اند.

کاهش و به حداقل رساندن این حوادث و تلفات، کار چندان دشواری نیست. حوادث شغلی در بسیاری از کشورها، با مساعی اتحادیه‌ها و احزاب کارگری و توسعه قوانین و نظارت دولتها و امن کردن محیطهای کاری به تدریج بهبود یافته و به حداقل رسیده است. در خود ایران نیز در گذشته بخاطر توجه بیشتری که به این مسئله می‌شد و قوانینی که وجود داشتند و بیشتر و بهتر از امروز رعایت می‌شدند، شمار حوادث کار و تلفات آن بسیار کمتر از یکی دو دهه اخیر بود. آنچه بیشتر از هر چیز طی ده سال گذشته سبب دوبرابر شدن حوادث شغلی گردیده، سودطلبی بیحد و مرز سرمایه داران و کارفرمایان و همراهی و اسپرگرایانه دولتها با آنها و سرکوب تشکلهای کارگری بوده است.

با این وجود حداقل در دو دهه گذشته کسی بیاد ندارد که مسئولان کشته و معلول شدن ده ها هزار کارگر که قربانی سود و سرمایه شده‌اند با وجود محرز شدن نقش شان در این فجایع، طبق قوانین و بطور واقعی محاکمه و مجازات شوند و یا اقدامی ولو اندک توسط کارفرمایان و دولت برای زدودن عوامل و شرایطی که سبب ساز فزاینده حوادث کار شده‌اند و ایجاد محیط کاری امن تر برای نیروی کار انجام گرفته باشد.

با این وجود همان گونه که تجربه ۱۰ سال گذشته نشان داده است، از آنجائی که منشا اصلی این حوادث افزایش سود است، اگر کارگران خود دست بکار نشوند، نه تنها انتظار نمی‌رود که اقداماتی در جهت بهبود شرایط محیطهای کاری بطور داوطلبانه توسط کارفرمایان و دولت صورت گیرد، بلکه انتظار می‌رود که رشد فزاینده حوادث و تلفات کار همچنان در سالهای آتی نیز تداوم داشته باشد و جانهای بسیار دیگری قربانی حفظ تقدس سود و سرمایه‌کسانی شوند که نشان داده‌اند، فزون خواهی شان حد و مرزی نمی‌شناسد.

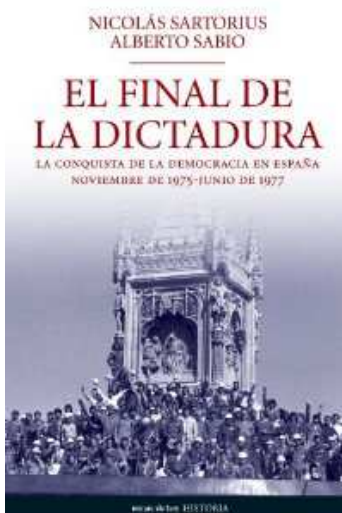
📖 از تجارب دیگران

جنبش کارگری و نقش آن در مرحله گذار از دیکتاتوری

بخش اول

اشاره:

"بولتن کارگری" در نظر دارد بخشهایی از کتاب "پایان دیکتاتوری"، نوشته نیکلاس سارتوریوس و البرتوسابو را تدریجاً در ستون "از تجربیات دیگران" انتشار دهد. نیکلاس سارتوریوس، زندانی سیاسی دوران دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا، در نخستین انتخابات دمکراتیک پس از سقوط دیکتاتوری از طرف حزب کمونیست اسپانیا کاندیدای پارلمان شد و پس از انتخاب به نمایندگی پارلمان، مسئولیت سخنگویی حزب کمونیست در پارلمان اسپانیا را به عهده داشت. البرتو سابو استاد تاریخ در دانشگاه مادرید است. دلیل انتخاب این بخشها از کتاب مذکور، اختصاص آنها به تاریخ جنبش کارگری و نقش این جنبش در گذار از دیکتاتوری به دمکراسی در اسپانیا است.



اعتراضات کارگری بعنوان نیروی راهگشای دموکراسی

تا زمانی که فرانکو زنده بود، بر روی واگن اول قطار اکسپرس که مسیرش از کناره دریای کوستابراو به مقصد مادرید می گذشت، این شعار، به خط بسیار درشت، به چشم می خورد: "عفو سیاسی کمیته های کارگری، همبستگی با کارگران".

البته بلافاصله پس از ظهور این شعار، موضوع از طرف ماموران ایستگاه شهر لریدا به ایستگاه شهر سارگوسا گزارش شده بود. ولی چنان که این ماموران می گفتند، نوشته ها بقدری پررنگ و سمج بودند که امکان پاک کردنشان وجود نداشت. این یکی از دلایلی بود که نشان می داد عفو سیاسی و آزادی تا لحظه مرگ فرانکو جزو مطالبات جامعه بود.

دیوارنویسی کارگران را نمی شد به آسانی پاک کرد. تعداد کارگرانی که بخاطر دموکراسی مبارزه و ریسک می کردند، زیاد بود. با این حال نقشی که کارگران در روند دموکراتیزه کردن جامعه در دوران دیکتاتوری ایفا کردند و نفوذشان در این فرایند و توانی که در بسیج جامعه برای نیل به گذار مسالمت آمیز به عهده داشتند، آن گونه که شایسته است در تاریخ این دوره انعکاس نیافته است.

البته روی اهمیت حمایت از نیروهای تولید کننده بعنوان محور اصلی رشد تاکید می شد، ولی به گواه آمارها و شاخص های دهه ۶۰ میلادی، مناسبات حاکم بر بازار کار به زیان کارگران بود؛ زیرا قدرت چانه زنی آنان در مذاکرات دسته جمعی، به علت محدود شدن حقوق شان، به شدت ضعیف شده بود.

با این که درآمد ملی بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ سه برابر شده بود، و علیرغم گرایش صعودی دستمزدها در همین سالها، ولی نابرابری اجتماعی فزونی یافت. این در واقع توانی بود که برای پیشرفت و سه برابر شدن در آمد ملی پرداخته شد. اما از سوی دیگر نابرابری ها و افت سطح رفاه، موجب رشد مخالفت ها در جامعه نیز گردیدند.

در همان زمان بود که نوعی ادبیات جدید از طریق مسئولان و دولتمردان ارتجاعی به خورد افکار عمومی داده می شد.

کلمات یا جملاتی چون محصول خالص داخلی، ارز، تورم، تبادل پرداخت، درآمد سالانه کشور ... پیش از حد بگوش می رسیدند.

در روند توسعه اقتصادی اسپانیا در این سالها همچنین باید به فاکت های بسیار مهمی چون توریسم، مهاجرت، صادرات یا سرمایه گذاری خارجی نیز اشاره کرد. اینها البته کوچکترین ربطی به مسئولان دولتی نداشتند. خوان پارلوفوس، نویسنده کتاب "دهه پیشرفت"، به درستی می گوید: "رشد اقتصادی در اسپانیا محصول سیاست دولت نبود، این رشد عظیم به سختی می توانست بر نابرابری اجتماعی - اقتصادی و کمبودها سرپوش بگذارد. همین فاکت ها از سال ۱۹۷۳ به بعد پیشرفت اقتصادی را در معرض تهدید قرار داد و آن را متوقف کرد".

تعادل این مدل رشد بر اثر بحران انرژی در همین سال بهم خورد. نارضایتی هایی که اساس شان را مسائل صنفی تشکیل می دادند بروز یافتند. بیمه های کارگری از سال ۵۹ میلادی به تدریج و به شکلی محدود وارد قانون کار شدند. بیمه بیکاری در آن دوره تنها شامل کسانی می شد که در اثر بروز بحران شغل شان را از دست می دادند. کارگرانی که از کار اخراج می شدند، از حقوق دوران بیکاری محروم بودند. به کارگرانی که این قانون شامل حالشان می شد، به هنگام بیکاری، تنها ۳۰ درصد از حقوق دوران اشتغال پرداخت می شد و این وضع تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت. بخش بزرگی از مالیات دریافتی از حقوق بگیران برای دوران بازنشستگی کارگران عضو سندیکاها، دولتی و سایر هزینه این سندیکاها، که چون غده ای سرطانی در تمام بخش های اقتصاد ایجاد می شدند، اختصاص می یافت.

در این دوران، با این که بخش زیادی از دستمزد کارگران بابت حق بیمه کسر می شد، ولی خدماتی که در ازای آن به بیمه شدگان ارائه می شدند، ناچیز و محدود بودند. این وضعیت نشانه آشکار ناتوانی فرانکوئیسم در برقراری یک نظام حداقلی تامین اجتماعی بود؛ نظامی مطابق با آنچه که در بسیاری از کشورها وجود داشت.

توسعه اقتصادی سالهای ۶۰ و ۷۰ همچنین با بی توجهی به شرایط بهداشتی و سیستم ایمنی در محیط های کار توأم بود. شرکت ها، چه دولتی و چه خصوصی، سودجویانه از توجه و رسیدگی به مسئله سلامت و ایمنی کارگران سر باز می زدند. بیماری های شغلی مانند بیماری های عادی تلقی می شدند. از این رو بود که اسپانیا در قیاس با دیگر کشورهای اروپا کمترین نرخ بیماریهای شغلی را داشت.

پلیس کامبوج کارگران اعتصابی را به گلوله بست گاردین، 6 ژانویه 2014



برخورد کارگران نساجی کامبوج و نیروهای انتظامی در پنوم پنه در این برخورد پلیس به روی تظاهرکنندگان آتش گشود.

گروه های حقوق بشری از 4 کشته در جریان تیراندازی پلیس به دومین تظاهرات کارگران نساجی، مهمترین صنعت کلیدی کشور، خبر می دهند.

روز جمعه گذشته، 3 ژانویه، نیروهای انتظامی کامبوج به تظاهرات کارگران نساجی که خواهان دستمزد بیشتری اند، آتش گشودند. بنا به گزارش گروه های حقوق بشری در نتیجه این تیراندازیا 4 تن از کارگران گشته شدند.

این دومین روز از تظاهرات سراسری هزاران نفره کارگران نساجی کامبوج بود. در این روز نیروهای انتظامی به میدان آمدند تا به تظاهرات پایان دهند. اما کارگران از ترک مواضعشان پرهیز کردند. کارگران که در یک منطقه صنعتی پنوم پنه اجتماع کرده بودند، با پرتاب بتری، سنگ و کوکتل مولوتف به نیروهای انتظامی پاسخ گفتند.

این درگیری حاکی از اوجگیری بحران سیاسی در کامبوج است، که در یک سوی آن کارگران اعتصابی و تظاهرکنندگان ضددولتی در جنبشی ناستوار به رهبری حزب نجات ملی کامبوج، با هم همراه شده اند.

اتحادیه هائی که کارگران را نمایندگی می کنند به حامیان اپوزیسیون دولت کنونی، به نخست وزیر هون سن، پیوسته اند. اپوزیسیون معتقد است که در انتخابات تابستان سال گذشته تقلب شده و خواهان لغو آن است.

روزنامه نگاران رویتز مقیم کامبوج تأیید می کنند که پلیس در مقابله با تظاهرکنندگان از گلوله های واقعی استفاده کرده بوده است و پوکه های آنها نیز بعداً در صحنه درگیریها به وفور موجود بوده اند.

درگیریها در پارک صنعتی کانادیا در پنوم پنه واقع شدند. در این پارک ده ها کارخانه مستقراند، که به ساختن کفش و لباس برای برندهای غربی، از جمله آدیداس، پوما و هنس و ماوریتز (H&M) اشتغال دارند.

گروه حقوق بشری LICADHO در اعلامیه ای رویدادهای روز جمعه را "هولناک" نامیده و پلیس را به شدت نکوهیده است. این گروه اضافه کرده که بر طبق تحقیق خود آنها و جستجو در بیمارستانها، 4 کشته و 21 زخمی را یافته اند.

سخنگویان پلیس و نیروهای انتظامی گفتند که نمی توانند تعداد قربانیان را تأیید کنند.

چنان که بیشتر اطلاع داده بودیم، هفته گذشته دولت کامبوج تصمیم گرفت که حداقل دستمزد کارگران نساجی را از 80 دلار به 100 دلار افزایش دهد. اما کارگران این افزایش را ناچیز دانسته و خواهان حداقل 160 دلار اند.

اعتصاب کارگران فیلیپ موریس هلند

خبرنامه فدراسیون اتحادیه های کارگری هلند، جمعه 10 ژانویه

بنا به گزارش فدراسیون اتحادیه های کارگری هلند و اتحادیه های کارگری مسیحی هلند (2 بزرگترین اتحادیه کارگری هلند) اعتصاب 500 تن از کارگران کارخانه سیگار فیلیپ مورسی در هلند، از روز پنجشنبه 9 ژانویه آغاز شده است.

این دو اتحادیه پیشتر تهدید کرده بودند که اگر مدیریت فیلیپ موریس تا 6 صبح روز پنجشنبه به مطالبات کارگران پاسخ مثبت ندهد، از آن پس دست به اعتصاب خواهند زد. اعتصاب در ابعاد محدود آغاز شده و در صورت عدم واکنش مثبت مدیریت، از هفته آینده عمومی خواهد شد.

مطالبه اصلی کارگران افزایش حقوق به میزان 3 درصد است. به علاوه آنان خواهان



جبران زیان های ناشی از بدتر شدن شرایط بازنشتگی اند. این تغییر شرایط بازنشتگی حدوداً 60 میلیون اورو به زیان کارگران تمام شده است.

مدیریت فیلیپ موریس در آخرین واکنش خود نسبت به مطالبات کارگران تنها یک افزایش 1/37 درصدی حقوق برای سال 2014 را پذیرفته و از پذیرش هرگونه جبران خساراتی بابت تغییر شرایط بازنشتگی سر باز زده است. تعداد کارگران فیلیپ موریس هلند یک هزار و 500 تن است.

کارگران کارخانه گودیر فرانسه مانع از خروج مدیران از کارخانه شدند

آسوشیتدپرس، 6 ژانویه



روز دوشنبه 6 ژانویه کارگران کارخانه تایر گودیر در شمال فرانسه در واکنش به نقشه هانی که برای بستن کارخانه وجود دارند، مانع از خروج 2 تن از مدیران کارخانه شدند.

کارگران به مدیر تولید کارخانه، میشل دهیلی، و مدیر منابع انسانی، برنارد گلاسر، اجازه خروج از محوطه کارخانه را ندادند.

این اقدام، آخرین مورد از یک سری واکنشهای ناگهانی کارگران از سال گذشته به این سو است. سال گذشته مدیریت کارخانه، که شعبه ای از گودیر، تولیدکننده بزرگ تایر در اوهایوی امریکاست، اعلام کرد که در صدد خاتمه دادن به کار آن در پایان سال 2014 است. در این شعبه فرانسوی 1250 کارگر کار می کنند.

اتحادیه کارگران برای ارائه یک طرح موازی و بازخرید سخاوتمندانه تر سنوات کار کارگران به مدیریت فشار می آورد.

"بازداشت مدیران" در میان کارگران فرانسوی از سابقه درازی برخوردار است و در سالهای اوج بحران (2008 و 2009) رایج بود. به طور کلی نگاهداشتن رؤسا جرم محسوب نمی شود و کارگران از این بابت محکوم نمی شوند. مدیریت کارخانه از اظهار نظر رسمی در این باره پرهیز کرده است.

اخبار داخل کشور

فقر، اخراج و مرگ

سهم کارگران از کار



سفیر مرگ و نیستی در کشور بحران زده ما همچنان قربانی می گیرد و سردمداران ج.ا.ا با نظاره و سکوت روزگار خود را با شعارهای پرطمطراق آذین می کنند.

در هفته جاری سه حادثه کار در قطار شهری اهواز (خوزستان)، پتروشیمی خرم آباد (لرستان) و معدن چاه گز (یزد) رخ داد که به مرگ سه کارگر و مصدومیت ۸ تن دیگر منجر شد.

در جریان حادثه انفجار پتروشیمی خرم آباد، بدلیل خالی نبودن مخزن گازوئیل و استفاده از نیروی کار غیرماهر، دو کارگر ۲۵ و ۲۹ ساله به نامهای بهمن آزادی مقدم و محمد مهدی مهدی پور در هنگام جوشکاری مخزن سوخت جان باختند.

اخبار دریافتی حکایت از آن دارد که علاوه بر دو کارگری کشته شده، یکی دیگر از کارگران دچار موج گرفتگی حاصل از انفجار شده و کارگر دیگری نیز از ناحیه لگن دچار شکستگی شده است.

ناصر آعاجری فعال مستقل صنفی کارگران نفت و پتروشیمی به ایلنا گفت: انفجار مخزن گازوئیل پتروشیمی خرم آباد به دلیل نادیده گرفته شدن اصول ایمنی کار رخ داده است.

ارگران حادثه دیده در انفجار پتروشیمی خرم آباد، جوشکاران ساده ای بوده اند که کوچکترین آشنایی با شرایط کار در مخازن سوخت نداشته‌اند.

وی یادآور شد: اصول ایمنی حکم می‌کند که به هنگام جوشکاری در مخازن مواد سوختی، باید قبل از هر چیز این مخازن تخلیه و شست و شوی شوند، زیرا در غیر این صورت ممکن است به دلیل وجود مواد سوختی و یا بخارات ناشی از آن حادثه انفجار یا آتش سوزی رخ دهد.

به باور این فعال صنفی کارگری در این شرایط نهادهای نظارتی وظیفه دارند تا با تاکید بر ضرورت اجرای کامل اصول ایمنی و حمایتی قوانین کار و تامین اجتماعی از بروز چنین حوادثی جلوگیری کنند.

مرگ سوزن‌بان روزمزد

در ساعت ۵ بامداد روز دوشنبه نیز، «علی زادحزبای» ۲۱ ساله، از کارگران پیمانی شرکت پیمانکاری «کیسون» که مسئولیت سوزن‌بانی ریل قطارهای حاوی خاک حفاری تونل را بر عهده داشت، به دلیل تصادف با واگن کشته شد.

هلاکویی که به عنوان کارفرمای شرکت پیمانکاری کیسون فعالیت می‌کند، دلیل وقوع این حادثه را خواب بودن کارگر در هنگام عبور قطار ذکر کرد و گفت: طبق شواهد، این کارگر در روز حادثه دچار سرماخوردگی شدیدی بوده که به علت استفاده از دارو و خواب آلودگی



متوجه عبور قطار نمی‌شود.

مدیر عامل قطار شهری اهواز به ایلنا گفت: عرض تونل محل حادثه حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر است و سوزن‌بان‌ها که بصورت روزمزد استخدام می‌شوند در نوبت‌های (شیفت) ۱۲ ساعته مشغول به کارند،

به گفته کارگران حاضر در محل حادثه، با گیر کردن لباس این کارگر به یکی از واگن‌ها، بدن وی چندین متر بر روی ریل کشیده می‌شود که به احتمال زیاد، مرگ وی بر اثر ضربه مغزی بوده است.

انفجار در مینی بوس کارگران

سومین حادثه، اختصاص دارد به خودروی حامل کارگران معدن سنگ آهن چاه گز؛ این حادثه صبح دوشنبه ۱۶ دی ماه در خیابان امام شهر به‌آباد (از توابع یزد)، هنگامی که کارگران پس از خاتمه شیفت شب در حال عزیمت به منزل بودند، رخ داد.

سرنشینان خودرو شامل ۴ کارگر معدن، راننده و کمک راننده، به دلیل خرابی بخاری خودرو، دو گاز پیک نیکی در مینی‌بوس روشن کرده بودند که با واژگونی یکی از گازها بر اثر ناهموازی سطح خیابان، صندلی‌ها آتش گرفته و در نهایت، گاز پیک نیکی دوم منفجر می‌شود. این حادثه منجر به مرگ کارگران نشد اما همگی آن‌ها به شدت



مصدوم شدند

در همین رابطه، رضایی، نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام به ایلنا گفت: "وقتی کارگران پیمانی برای حل مشکلات شان به کارفرما مراجعه می‌کنند به آنها گفته می‌شود مسائل شما مربوط به پیمانکار است و زمانی که به پیمانکار مراجعه می‌کنند، اگر تهدید به اخراج نشوند به آنها گفته می‌شود بدلیل فشارهای کارفرما در تنگنای مالی قرار داریم."

این فعال کارگری در ادامه افزود: چنین شرایطی کارگران را سردرگم و از پیمانکار و کارفرما تا حدی که ممکن است سلب مسئولیت می‌کند.

جهنم زندگی کارگران در ایران

در هفته گذشته شاهد اعتراضات و ادامه اخراج کارگران بودیم، بی پروایی برخی از کارفرمایان تا به آن جا رسیده است که دیگر حتی به قانون کار و رای هیات های تشخیص و حل اختلاف نیز کوچکترین توجه ای ندارند و نمایندگان کارگران را که براساس قانون کار مصون از اخراج هستند، ادامه کار آن ها را ملغی می کنند. در همین رابطه توجه شما را به مجموعه ای از اخبار کارگری داخل کشور جلب می کنیم:



Iranian Labour News Agency

اخراج به علت پیگیری مطالبات کارگران

پس از آنکه مدیریت کارخانه شوکا حاضر نشد تا در خواست کارگران را برای بهبود امکانات رفاهی بپذیرد، در اقدامی غیر منتظره حکم اخراج «حیدر ولانی» نایب رئیس شورای اسلامی کار کارخانه را صادر کرد.



نایب رئیس اخراجی شورای اسلامی کار شوکا در گفت و گو با ایلنا گفت: من با ۵۲ سال سن بعد از ۲۳ سال سابقه کار، به دلیل پیگیری مطالبات کارگران اخراج شده‌ام و این درحالی است که در تاریخ ۳۱ خرداد ماه سال ۹۳ بر مبنای قانون سخت وزیان آور، بازنشسته می‌شدم.

حمید ولایی در خاتمه گفت: به نظر می‌رسد برخی مدیران واحدهای صنعتی ترجیح می‌دهند که تا به جای انجام تعهدات قانونی خود و مذاکره با کارگر، با نشان دادن قدرت خود از فعالیت‌های صنفی کارگران جلوگیری کنند.

کارگران اعتراض کردند، رییس تعاونی اخراج شد

پیشینه اختلاف مدیریت کارخانه روغن نباتی قو با رئیس تعاونی مصرف کارگران (معماریان) به چند ماه گذشته بر می‌گردد، به همین دلیل کارفرما با سوء استفاده از تجمع صنفی روز نهم دی‌ماه کارگران، رئیس تعاونی را عامل تجمع کارگران معرفی و او را اخراج کرد.

در ادامه اعتراضات کارگران حدود ۱۰۰ تن از کارگران کارخانه روغن نباتی قو برای دومین بار طی شش روز گذشته در اعتراض به «محقق نشدن مطالبات کارگران» و «اخراج رئیس تعاونی مصرف کارگران» در داخل این کارخانه تجمع کردند.

یکی از کارگران حاضر در این تجمع که نخواست نامش فاش شود، به ایلنا گفت: «مدیریت کارخانه به جای پاسخ‌گویی به اعتراض کارگران با چنین برخوردهایی قصد دارد به کارگران بفهماند بعد از هر تجمع اعتراضی احتمال دارد تعدادی اخراج شوند» او افزود: معماریان نقشی بیش از سایر کارگران در شکل‌گیری تجمع اعتراضی روز نهم دی‌ماه نداشت.

این کارگر با بیان اینکه در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰ نفر در کارخانه روغن نباتی قو مشغول به کارند، افزود: کاهش ناگهانی حقوق، اضافه کاری و پاداش بهروری، عدم بازبینی و افزایش نیافتن برخی مزایای قانونی مانند حق ناهار، ایاب و ذهاب و پرداخت مطالبات ماهیانه کارگران با ۱۰ تا ۱۵ روز تاخیر از تغییراتی است که با استقرار مدیریت جدید در این واحد تولیدی روی داده و باعث اعتراض کارگران شده است.

پدیده منحصر به فرد کار در ایران: کارکنید، حقوق نگیرید، اخراج شوید

معوقات مالی کارگران شرکت پیمانکاری «صنعت سپاهان صادق» مربوط به دو ماه تیر، مرداد و ده روز از حقوق شهریور ماه سال جاری است، با وجود آنکه کارفرما، با کارگران زیر مجموعه خود تسویه حساب کرده، اما هیچ وجهی بابت طلب کارگران پرداخت نشده است.

رسول رحیمی که خود از کارگران اخراجی این شرکت پیمانکاری است در این باره به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری «صنعت سپاهان صادق» که از پیمانکاران تامین کننده منابع انسانی در شرکت «آذر خاک» (مجری طرح توسعه فاز ۱۳ منطقه پارس جنوبی) است، بعد از آنکه منابع مالی مورد نظرش از سوی شرکت آذر خاک تأمین نشد، ضمن توقف فعالیتش، تمامی ۱۵۰ کارگری که به واسطه این شرکت کار می‌کردند را اخراج کرد.

این فعال کارگری در بخش دیگری از این گفتگو، با بیان اینکه در نتیجه تاخیر و تعلل در پرداخت حقوق، کارگران از نظر معیشتی و روحی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند، افزود: در منطقه ویژه پارس جنوبی شرایط طاقت فرسای آب و هوایی و قوانین غیر عادلانه روابط کار و بد حسابی کارفرمایان باعث شده تا نیروهای انسانی تحت فشار قرار گیرند.

در این زمینه «منوچهر جمالی» مدیر عامل شرکت پیمانکاری صنعت سپاهان صادق در گفتگو با همین خبرگزاری تأیید کرد: دلیل تأخیر در پرداخت حقوق کارگران، پرداخت نشدن به موقع صورت وضعیت‌های مالی پیمانکار اصلی، شرکت «آذر خاک» است.

او با بیان اینکه در ۹ ماه گذشته «آذر خاک» صورت وضعیت‌های مالی شرکت (صنعت سپاهان صادق) را پرداخت نکرده است، گفت: ما برای دریافت مطالبات شرکت، ناچار شده‌ایم به مراجع قضایی شکایت کنیم.

مدیر عامل شرکت پیمانکاری «صنعت سپاهان صادق» افزود: همچنین این شرکت بابت بدهی‌های مالی خود به سازمان تأمین اجتماعی ۱۲۰ میلیون تومان بدهکار است.

کارخانه رانیران تعطیل و 200 کارگر بیکار گشتند

در ماه‌های گذشته کارخانه رانیران به علت کمبود مواد اولیه با کمترین ظرفیت به تولید ادامه داد، اما از دو ماه اخیر با تمام شدن مواد اولیه، فعالیت نیم بند آن نیز متوقف گشت.

«پروین محمدی» فعال مستقل کارگری در گفت و گو با ایلنا گفت: تعدیل گسترده نیروی انسانی در پی توقف دو ماهه تولید در این کارخانه سازنده اتوبوس‌های شهری و گردشگری رخ داده است.

وی با بیان این که زمانی در این کارخانه ۲۵۰ کارگر روزانه سه دستگاه اتوبوس تولید می‌کردند، عنوان کرد: از ۶ ماه پیش که روند واردات

مواد اولیه کارخانه رانیران از جمله «شاسی اتوبوس» به دلیل مشکلات ناشی از تحریم‌های اقتصادی با مشکل مواجه شد، فعالیت این واحد تولیدی کاهش یافت.



کارفرما، کارگران پتروشیمی بوعلی سینا را پشت در کارخانه گذاشت

چماق سرمایه بر زندگی کارگران



پیمانکار پتروشیمی بوعلی سینا (شرکت فراصنعت) از عصر یکشنبه هفته جاری (۱۵ دی ماه) در واکنش به خودداری بیش از ۱۶۰ کارگر واحد تعمیرات و نگهداری از امضای قرارداد، کارت ورود به کارخانه را از آن‌ها گرفت و مانع ورود کارگران به کارخانه شد.

یکی از نمایندگان کارگران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: مدیر عامل پتروشیمی بوعلی سینا (زیر نظر هلدینگ خلیج فارس) در ابتدای سال جاری به کارگران پیمانی واحد تعمیرات و نگهداری قول داده بود تا مزد پایه آن‌ها مانند کارگران سایر کارخانه‌های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حدود ۲۵ درصد افزایش پیدا کند که این مبلغ در ماه‌های اخیر به صورت کارت هدیه به کارگران پرداخت می‌شد.

وی ادامه داد: اما در قراردادی که اوایل شهریور ماه به کارگران ارائه شد، مزد پایه آنها افزایش پیدا نکرده بود و کارگران نیز به نشانه اعتراض، بیش از ۳ ماه است که از امضای قرارداد خودداری می‌کنند.

کارخانه قند کامیاب در آستانه ورشکستگی قرار گرفت

تجمع کارگران معترض در برابر فرمانداری

بی‌توجهی کارفرما و مسئولان استانی نسبت به مشکلات صنفی کارگران باعث شد تا کارگران قند کامیاب به سمت فرمانداری خمینی شهر حرکت کنند.

نماینده کارگران کارخانه قند کامیاب از تجمع جمعی از کارگران این کارخانه در مقابل فرمانداری خمینی شهر اصفهان خبر داد.

این کارگر که خواست نامش به دلایل امنیتی فاش شود، در تشریح تجمع کارگران قند کامیاب به ایلنا گفت: جمعی از کارگران کارخانه خمینی شهر اصفهان که بین ۴ تا ۱۱ ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی مداوم خط تولید، حقوق نگرفته‌اند، صبح امروز - یکشنبه (۱۵ دی) - در کارخانه تجمع و سپس به سمت فرمانداری خمینی شهر حرکت کردند.



نماینده کارگران با بیان اینکه این واحد بیش از ۱۵۰ کارگر دارد که به دلیل تعطیلی‌های مکرر کارخانه امنیت شغلی‌شان را در مخاطره می‌بینند، بدهی‌های این کارخانه را چنین بر شمرد: کارخانه قند کامیاب به سازمان تامین اجتماعی بیش از یک میلیارد تومان بدهکار است و این موضوع باعث شده این سازمان به بهانه پرداخت نشدن طلب‌اش، با اعمال فشار به کارگران از تمدید اعتبار دفترچه‌های درمانی کارگران خودداری کند.

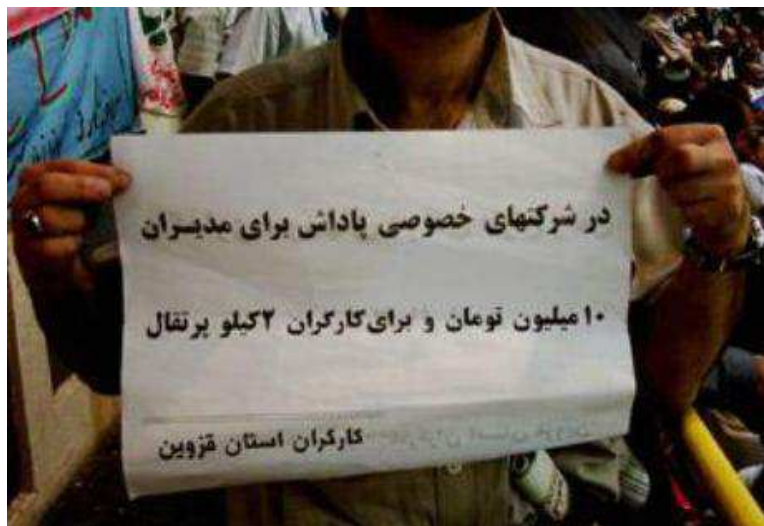
به گفته این کارگر، بخش اعظمی از مشکلات این واحد تولیدی، تامین نشدن مواد اولیه تولید به دلیل بد حسابی‌های مالی کارفرما به فروشندگان مواد اولیه بوده است. اداره گاز شهرستان خمینی شهر نیز امروز به دلیل انباشت بدهی‌های کارخانه، گاز را قطع کرد و مجدداً تولید در این کارخانه متوقف شد.

او در باره نتیجه مذاکرات کارگران با مسئولان فرمانداری گفت: مسئولان فرمانداری خمینی شهر با حضور در تجمع، از کارگران خواستند به خانه‌های خود بازگردند و تا زمانی که مطالبات خود را از کارفرما دریافت نکرده‌اند به کارخانه باز نگردند.

کارگران ایران، محروم تر از هر زمان دیگر

ارگران ایران به دلیل نداشتن تشکلهای مستقل و مقتدر صنفی از پیگیری سادهترین حقوق صنفی خود محروم‌اند، اما در طرف مقابل، گروه‌های سرمایه‌دار و کارفرمایی توانسته‌اند حتی با جابجایی کابینه خواسته‌های خود را تامین کنند.

عبدالله وطن‌خواه در گفت و گو با اینناگفت: با وجود آنکه در بسیاری از کشورهای متمدن، چانه زنی گروه‌های اجتماعی با دولت برای کسب امتیازات بیشتر و دادن تعهدات کمتر یک منطق پذیرفته شده اجتماعی است، اما هم‌اکنون به دلیل فقدان تشکلهای مستقل حتی امکان این چانه‌زنی از کارگران ایرانی سلب شده است.



این فعال حقوق صنفی کارگران با یادآوری اینکه یکی از وعده‌های وزیر کنونی کار «بازگرداندن لیبخند به روی لبان کارگران» بود، گفت: لیبخند با جاری شدن عدالت بر لبان کارگران بازمی‌گردد و تعیین دستمزدهای سال ۹۳ میزان وفاداری وزیر به این وعده‌اش را مشخص می‌کند.

به باور این فعال کارگری، در شرایطی که بصورت غیر رسمی شنیده می‌شود که منتقدان افزایش دستمزدها در تلاش هستند تا به بهانه وضعیت نامناسب اقتصادی و مطرح کردن موضوعاتی همچون کمک‌های غیرنقدی، زمینه مسکوت گذاشتن پنج ساله افزایش دستمزدها را فراهم کنند، کارگران حق دارند که با حساسیت مسئله افزایش مزد ۹۳ را پیگیری کنند.

وی با یادآوری نشست‌هایی که سال گذشته در مرکز تحقیقات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری با موضوع «کار شایسته و مزد منصفانه» برگزار شده بود، گفت: برگزار کنندگان این نشست‌ها سعی داشتند که با پیوند دادن مفاهیم سرمایه داری با استانداردهای بنیادین حقوق کار، بصورت فرضی و تئوریک دیدگاه‌های سرمایه داری در مورد مزد و شرایط کار را تلطیف کنند و این درحالی است که تجربه نشان داده که در دنیای واقعی، همواره میان ارزش‌های انسانی و دیدگاه‌های سرمایه‌داری تعارض وجود داشته است.